

اقدام در جهت منافع عموم

حسابداری اقشار آسیب‌پذیر، دیدگاه یک متخصص

N. Deeson 

ترجمه: نصراله تختائی

میلااد جمالی‌نیا

مرضیه حاتم‌نژاد

اندکی پس از دانش‌آموختگی به‌عنوان یک حسابرس، در یک بنگاه خیریه بزرگ بین‌المللی کودکان شروع به‌کار کردم. شغل من سنجش و به‌حداکثر رساندن تاثیر کار آن خیریه بر گروه‌هایی بود که در آنها فعالیت می‌کرد. از این نقش جدید در واقع هیجان‌زده شده بودم. اول از همه، به‌کشورهای شگفت‌انگیز سفر و از آنها بازدید می‌کردم. دوم، کار درستی را شروع کرده بودم- با رهاکردن نقش مالی و میلیون‌ها بازیچه که از آنها برای گذراندن آزمون و انجام حسابرسی استفاده می‌کردم.

در کارم حسابی غرق شدم. بنگاه خیریه به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌هایی را از قبل ایجاد کرده بود ولی زمانی که به آنها نگاه کردم، بسیار پیچیده به‌نظر آمدند و نتوانستم از آنها در روستاها استفاده کنم. بنابراین، اولین کارم نوشتن چندین پرسشنامه جدید و ساده برای گردآوری اطلاعات پایه سلامتی و تحصیلی بود. سپس، باید همکاران محلی را آموزش می‌دادم تا بروند و آن اطلاعات را از مردم



برنز و جولدز (Bunrns and Jollands, 2020) در پژوهش خود موضوعهای زیادی را پوشش می‌دهند که از میان آنها می‌خواهم بر آن‌چه که نباید انجام داد، تمرکز کنم.

اکنون مدیر مالی در سازمان خیریه بین‌المللی هستم و کار ما - **دی‌ان‌ای** - پاس‌خگ‌بودن است. اما در انجام این کار چقدر خوب هستیم؟ در مدت زمان شش‌سالی که آنجا هستم، متوجه شدم که گاهی فاصله بزرگی بین آن‌چه که مدیرانی مانند من انجام می‌دهند با آن‌چه که کارکنان محلی انجام می‌دهند، حتی اگر هدف همه ما یکسان باشد، وجود دارد؛ برای مثال، ممکن است به همکاران محلی بگویم:

"اگر نتوانیم کار را اندازه‌گیری کنیم، اهمیتی ندارد. بنابراین، از شما می‌خواهم این اوراق را پر کنید و به من بگویید چگونه مخرجتان را به همه پروژه‌های مختلف سرشکن می‌کنید. نیاز دارم که آخرین اطلاعات ماهیانه تمامی ریسک‌هایتان را برایم ارسال کنید. نیاز دارم این پرونده اطلاعاتی را کامل کنید که تمامی خروجی‌ها، نتایج و آثار شما را نشان می‌دهد."

در پاسخ آنها به من می‌گویند: "چگونه می‌توانیم تاثیر خودمان را در زمین بازی بسنجیم؟"

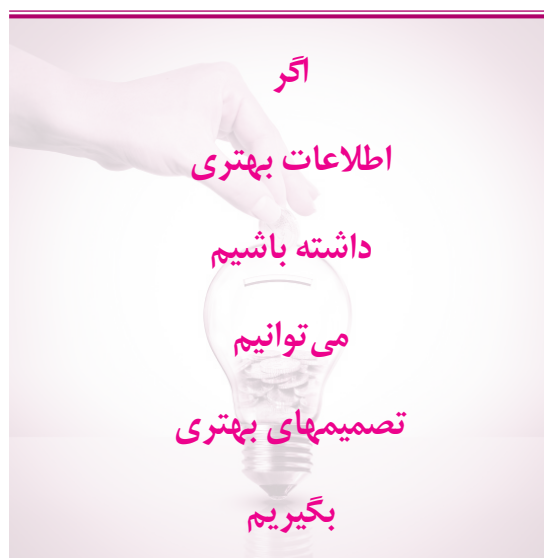
همکاران محلی من نمی‌توانند مزایای پرکردن فهرست‌ها و اوراق مرا درک کنند، اما آنها می‌توانند مخارج را ببینند؛ یعنی زمانی را که برای کمک‌کردن به افراد آسیب‌پذیر، صرف می‌کنند. همکارانم احساس می‌کنند باید مدت زمان بیشتری را برای آن افراد صرف کنند؛ در واقع، در زمانی که آنها وقت خود را برای پرکردن پرسشنامه‌هایم صرف می‌کردند،

روستاهایم را گم می‌کردند.

دو ماه بعد در زمان بازگشت به لندن، اولین بسته از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده از بورکینافاسو واقع در غرب آفریقا را دریافت کردم. داده‌ها را وارد سیستم کامپیوتری کردم و سپس با سیستم به‌کنکاش پرداختم تا گزارش‌های لازم را تهیه کنم. بزرگترین چالش من زمانی به‌وجود آمد که اولین گزارش‌ها را دیدم؛ زیرا نشان می‌دادند که بنگاه خیریه با وجود آن‌که بیش از ۲۰ سال بود که در آن مناطق بورکینافاسو فعالیت می‌کرد، سطوح سلامتی و سواد آموزشی در آن مدت زمان بسیار بدتر شده بود. این چیزی نبود که سازمان خواستار آن بود. مدیریت ارشد به دلیل تاثیر منفی ما در آن کشور، ترک بورکینافاسو را به بحث و گفتگو گذاشت. مجبور بودم به سرعت برخی تحقیقات را انجام دهم.

خوشبختانه، موفق به تماس گرفتن با برخی از همکاران محلی شدم که در بیرون روستاها مشغول کار بودند، و آن‌ها به من گفتند که فرزندان آن‌ها پس از ورود به مدارس و برنامه‌های ایمن‌سازی بنگاه خیریه، به نوجوانان سالم و آموزش‌دیده‌ای بدل می‌شدند، که می‌توانستند روستاها را ترک کنند و مشاغل پرمقتاضی در شهرها را به‌دست آورند. بنابراین، با وجودی که شاخص‌ها بدتر شده بودند، به دلیل پولی که آنها به‌خانه می‌فرستادند رفاه روستاییان به‌واقع بهتر شده بود.

وقتی فهمیدم که بنگاه خیریه به دلیل آن‌که من برای سنجش نتایج به نتایج یک رویکرد عددی اتکا کرده بودم، تقریباً بورکینافاسو را ترک کرده بود، شوکه شدم و این موضوع برای من درس بسیار مهمی بود. این واقعه به من یاد داد که اگر شما یک حسابدار آموزش‌دیده باشید، حتی در اوایل کارتان، مردم فکر می‌کنند که شما می‌دانید چه می‌کنید. بله، ما مهارت‌های درک پیچیدگی‌ها را یاد گرفته‌ایم؛ بله، ما چهره‌های شاخص و فراسازمانی را می‌بینیم، و بله، ما به‌طور معمول ورقه عبوری داریم که می‌توانیم به همه مناطق برویم، و می‌توانیم به هر اداره‌ای برویم و سوال‌هایی را بپرسیم، ولی نمی‌توانیم این کار را به‌تنهایی انجام دهیم. برای به‌حداکثر رساندن اثر مثبتمان بر افراد آسیب‌پذیر، به‌کمک همکارانی نیاز داریم که در محل کار می‌کنند.



برگزار کنیم تا برسیم: فایده گزارش چه بود؟ چه تعدادی آن گزارش را نسخه برداری کردند و آن افراد چه کسانی بودند؟ شعبه‌های ما در کشورهای سراسر جهان در پویشهای خود برای آنکه سریع‌تر به اهدافمان برسیم، چگونه از گزارشها استفاده می‌کنند؟

اگر به پژوهش برنز و جولدز (۲۰۲۰) برگردیم، به عنوان یک حسابدار فکر می‌کنم باید حتما مراقب باشیم، و نیاز است که این راه را ادامه دهیم؛ زیرا اگر اطلاعات بهتری داشته باشیم، می‌توانیم تصمیمهای بهتری اتخاذ کنیم و این به معنی پویشها و نتایج بهتر است.

به این ترتیب، چگونه می‌توانید جهان را برای افراد آسیب پذیر بهتر کنید؟ آن چه مسلم است، می‌توانید داوطلب شوید یا برای یک خیریه کار کنید، به عنوان یک سرپرست ثبت نام کنید، یا با سازمان «حسابداری برای توسعه بین المللی» در سایر کشورها همکاری کنید. اگر هیچ کدام از این اقدام را انجام نمی‌دهید، از خود بپرسید که چرا. هر زمان با یک سازمان خیریه سروکار پیدا کردید، با افراد ارتباط برقرار کنید، از آنها بپرسید چگونه تصمیم گیری می‌کنند؟ آیا تصمیمهایشان تنها بر اساس اطلاعات مالی است یا شامل تجربه‌های واقعی و زنده از کسانی است که نزدیکترین افراد به کسانی هستند که بنگاه خیریه در تلاش برای کمک به آنها است؟

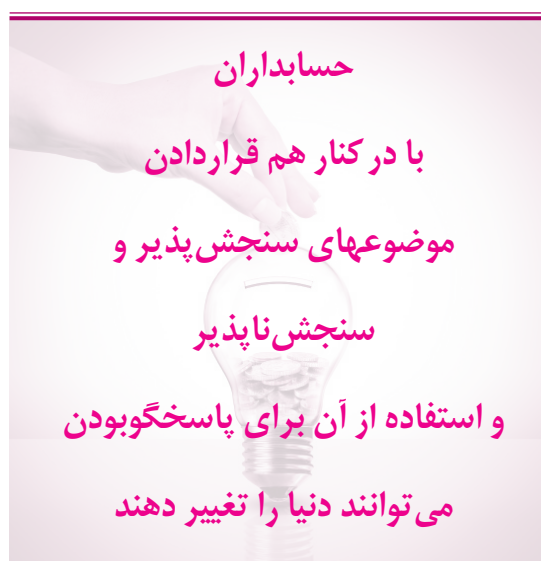
عقیده دارم حسابداران با در کنار هم قرار دادن موضوعهای سنجش پذیر و سنجش ناپذیر در یک تصویر منسجم و استفاده از آن برای پاسخگوبودن، می‌توانند دنیا را تغییر دهند.

پانویس:

1- Deoxyribonucleic Acid (DNA)

منبع:

- Burns, J. and Jollands, S, Acting in the Public Interest: Accounting for the Vulnerable, Accounting and Business Research, 2020, 50 (5), 507–534



می‌توانستند به یک انسان آسیب پذیر کمک کنند و جان او را نجات دهند.

اگر شما مدیر امور مالی بنگاه خیریه بودید، چگونه با این معضل کنار می‌آمدید؟ متأسفانه، پاسخ آسانی وجود ندارد. آنچه که من تلاش می‌کنم انجام دهم این است که سیستمهایمان را تا حد ممکن ساده و قابل درک و همسو با کار روزمره‌ای که مردم انجام می‌دهند، بسازم، و تلاش می‌کنم با همکاران محلی جلسه برگزار کنم و اطمینان حاصل کنم که اطلاعات حاصل از سیستمهایمان به واقع مفید هستند. به عنوان یک مثال بسیار کوچک، وقتی از همکاران خواستیم که اطلاعات بودجه‌ها و مخارجشان را پر کنند، ترتیب فهرست پرسشها را تغییر دادیم تا با پروژه‌هایی آغاز شود که در اولویت کار آنهاست و این تغییر تفاوتی واقعی ایجاد کرد.

هر فصل، همکاران بخش مالی با کارشناسان بخش پژوهشها و پویشها جلسه‌هایی برگزار می‌کنند که فقط به امور مالی نمی‌پردازند، بلکه به اطلاعات ریسکها و پروژه‌ها توجه می‌کنند، تا بفهمند که درواقع کارهای درستی انجام می‌دهیم. می‌دانم هر گزارشی که بنگاه خیریه تهیه می‌کند، هزینه مشخصی دارد، و به عنوان یک حسابدار می‌توانیم این رقم را پیدا کنیم، ولی نیاز است که با کارشناسانمان جلسه